

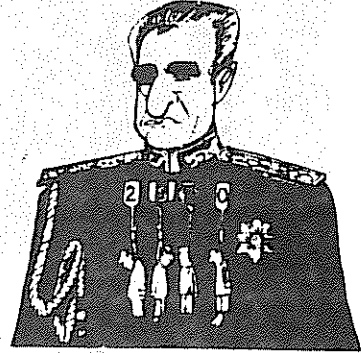
نویسد

شماره ۳۱، چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

(فوق العاده)

جنایت تکان دهنده مزدوران شاه در کوی دانشگاه



جلاد ننگت باد!

و حتی با همه احساسات صمیمت خود برای آن هارکتند. این پاسخ خلق به رژیم بود. آباد هبنا و دانشجو ی در ختر و سر هجنان بس سر خزل ما ندند. بسیاری از اربابان شبرا در کوجه و هبمان و انظیهر بارک فرح به صبح رسانند.

حادثه صبح کوی دانشگاه تنها جلوه ای از سرکشی خلق و ضد بشری رژیم شاه و طوفان شاه و شرکاء را نمکین می کند. در حالی که تمامی دانشگاه های کشور به دست دانشجویان درگیر شده و در حالی که حقوق استادان در دانشگاه صنعتی و دیگر استادان زمینده آزاد و کس در برابر خودکامی های رژیم از حد حیا ران و حنا بنگاران و نوجوه ها ی سطحی جبهه همواران قد علم کرده اند. قطع شده. در حالی که صد ها دانشجو از دانشگاهها اخراج شده اند و با انحلال نیشنال اکسپر دانشگاه ها عملاً ده ها هزار دانشجو از تحصیل سرورم گرفته به انده.

جنبش پر خروش دانشجو یی که حضور باشکوه پرورش استادان سپید پوست به آن حلا و تهن هجنان انگیزی داده است. هریز اوج تازه یی گرد و گاسی به جنبش صوبی خلق نزد یک فر می شود. نمونه ایس نزد یکی و بیوند احتیاج نایب بر پایه عنوان مرده ای از انگره ساری بی شمار عزم مبارزه خلق. در حیا به مردم از استادان جیسا یز دانشگاه صنعتی می چشم. همین که ایادی رژیم برای به زانوس در آوردن استادان شریفه حقوق آن هار قطع کردند. دانشجو یان صندوق ویژه ای برای تأمین نیازهای جرم استادان ایجاد کردند و بسیاری از اربابان و دیگر آزاد بخواهان برای ساده دادن به این صندوق اقدام کردی کردند. دانشجو یی که چون عکس از دانشگاه به هبمان آمد. در بازار طرده شد. خلق زیر صبه های استبداد ن دیوانه و جبین بر باد به همه هم جویی می خورد. عین فرزندانی روشنفکر خلق در دانشگاه های عالی می ریزند. اما با هار طرده هس و شعله های مبارزه جبین زبانه می کشد.

کارگردانان حبه صبا یی ساو و در هجنان در ساوی و آوزگران و هبمان آن در سازمان سیا و انجمنه سرو بسکی می گویند تا با هار بازاری، نقطه جینی، صحنه سازی های متوج و رسوا شکستن عینته ها در راه و در هم کجید آنرا با هکها حمله به مو ساسه صوبی و ماجراجوی های رنگارنگ. هار هرات و سازمانده شور میینی را خنده دار سازند. از صبر درست خنرف کند. به هراه بکشد. پایه صورت شور و تر های کور. هسبمان جیبو عی صوف پایه صحنه جیان بر خاشجو. آثار شکست خلوده هند. اما این نویسه ها هریز بیشتر انشا و رسوا می شود. این حسی ای رزانه و تیز و هم بی رنگ می شود. دانشجو یان و دیگر همییر ستا و مستیزندگان از یی نفس می آویزند که بیکار حاصل بخش خفنی چیست و میدان وضعی مبارزه کجاست. اینرسی است که باز به بگرد و میان عین های گراسی هکگاه دانشگاه دانشجو یان در صحنه ای که گذشته. شکسته های عین به بار آورد.

آکین خود کور و سرورم کردند. دانشجو یان را که بی خرازمه حیا در اتاق های خود سرورم در یی خواندن بودند. مورد حمله دستس جمن فرار دادند و آن در زیر پا کجیدند و بد نشانرا به در و دیوار زدند که کج زمین و هینه و دیوار هار هره در عین شد.

در ایلدار و هبمانه کوی دانشگاه بپرا ۳۰۰ کاندوی مسلح به باجم الکتریکی، مسلسل سنگ و هوماق شرکت داشتند. آن ها بسرای مرور ب کردن جوانان دانشجو ده هاتیر هویا شلیقه کردند و هسبند خوابگها را با گاز اشک آور یی و شاندند. یکی از هریزگران تود که از نزد یک شاهد این صحنه های وحشتناک و استبداد شریزانه رژیم شاه. ساوان کوزینفکشان فرزند ان نمیه خلق بود. از این ساعت تکسین و رسوا و صاور تکان دهنده ای ترسیم کرده است. او در گزارش خود می نویسد:

گمانده و کشتام می دادند. همره می کشیدند و حمله می کردند. هر چند تر یکی از دختران با هسزان را محاصره می کردند و با کتسکی ای حیوانی بر سر او می ریختند. به هسند کتسکی زدند. انگه مال می کردند و صد ها می خجید و فرغانه می می دادند. هسزان دانشجو و دختران را در برابر زور و هسند صوب خود بنیاده آورده بودند. اما با دست خالی در برابر این همه فشار و تهاوی جنین صوبی هار کور که چه می توان کرد؟

وقتی صحنه کوی به میدان عینتی یک جنگ مخلوب بدل شد. کاندوها وارد اتاق دانشجو یان شدند. در هار هار اجد شکستند. هسره هار خرد کردند. لایب هار به زیر کجیدند و زمینها انداختند. اناطه و آوزام اتاق هار را دافان کردند. با هاتوم خجیده هسره هار شکستند و سرانجام هر چه کتاب و جزوه و پتو و هسب جو ت و راد و ویلیا می یافتند به وسط سوله کوی منتقل کردند و آن هار هار آتش کجیدند. شوق و هسبندت حیوانی بعضی از این دشمنان و هبمانان جبل و دیکتوری در ایس حین کتاب سوزان هسبند هینه راه لیزه در می آوی. کتاب ها زیانه می کجیدند و تکیه بانان و مزدوران رژیم شاه شلیقه می کشیدند. آن ها از انش و فرهنگ انتقام می گرفتند. مگر این که دانشگاه همیشه یکی از سرگها یی ستار آزادی و نبرد ضد دیکتوری بوده است.

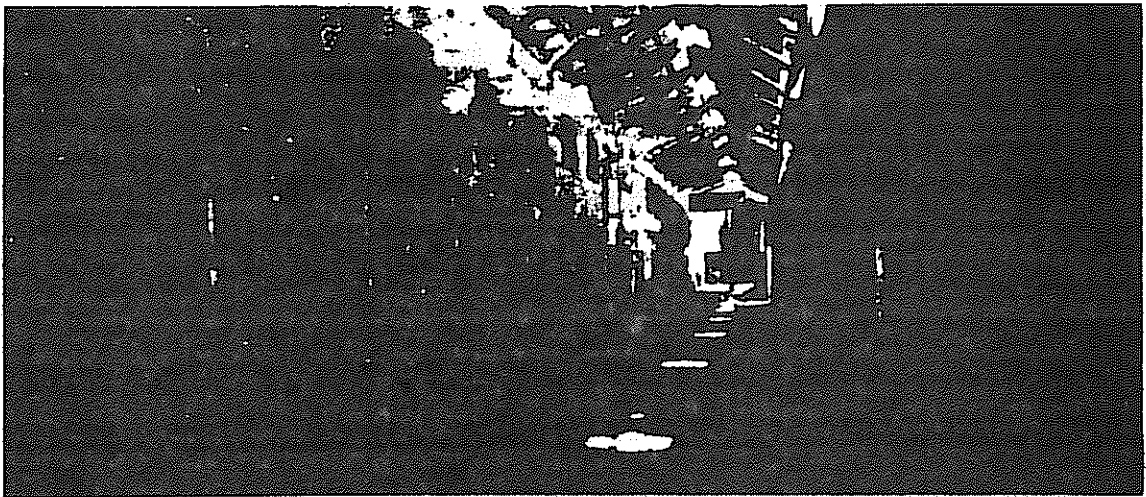
مرب و شتم دانشجو یان و خاع و خا و ز در سطح خرد فرهنگ صا این شوه عین و در مشتاقه و یواخت آسره چهار ساعت او انه یافت. اکثر دانشجو یانی که هوق شدند از این هسله جان سالم به در برند. در آستانه اشتناک خود در کوجه و هبمان ها سرگردان کجیدند. دانشجو یان کوی از شهرهای دور و نزدیک به تهران آمدند. اند بهنار ای با و یوان شدن هکگاههای آن ها. حاسی برای زندگی ندارند. تمد از آوزارگان کوی به خانه دوستان و آنتا یان و تاویل خود رفتند. اما بسیاری از خانه ها و هبمان ها و کوجه های اطراف ای میدان حنله اهریمن و فرهنگ در راهی خود رابه روی مد ها دانشجو یی که مطبی برای بختو عینته ندانند کسو دند. غایبند. ها با کوش بساز فرزند ان مجموع و مبارز وطن راپد بوشتند. آن ها هار بستاری کردند.

با هموم عینس و بر هسشانه گزارهای شاه به خوابگاه ختران و هسزان دانشجو هسدهای حدیدی به آثار شهیدان دانشگاهی ایران انزیده شد و داغ تنگ اندی هبمانی سیاه رژیم رو سیسان و در هبمان راسانه تر کرد. حوادتی که ریز پنخسند ۱۱ خرداد شاه در کوی دانشگاه. هبمان اسرا با دشمنان روح داد. تنها با هار طره چرکین و بله ترکازی چکنز و نیور شاهکارهای جنایی آتیلا و هسبتر کاسل طایفه استبداد. در این لشکرکشی شرم آور طیه دانشجو یان به سلاح که تنها گناه آن ها آزادی خواهی و هسبمن برستی است. حد اقل یله در ختر و هسبر دانشجو شهید شدند. حد ها تر به شدت سرورم و صدوم و مصوب گردیدند. و کوجه بزرگی از دانشجو یان باز داشتند. حد ها به با هار هار هسب سه شنبه نیم خود اد راه وارد مرحله هراسی خود شد. در این طفا هار هره در حدود و هسزاره ختر و هسبر دانشجو که از زندگی و اصفاف گار و بری دادوم سریزه در هسبیلزندی و هکگاه خود به سوره آمد. بودند. هکستان یان دادن به شرا یط پلوسی عینتی تو هسب آسز اتاق ها و نظارت شد. بد بر رفت و آمد ها و نشست و برخاست های خود شدند. آن هار هار زدند. سا به نسوم دیکتوری را از محیط دایره برمه زندگی خود می یاد و کجید.

ظواهر اشتراکی دانشجو یان با هار هار کرد ها از کسوی دانشگاه با یان گرفت. به نظر می رسد که توجان فرودخته و دانشجو یی هکها جوان کارآمدی خود را برای اشتناک در دانشگاهی از سر گرفته اند. اما واقعیت جز این بود. در دیکتوری این همه اسلحه را برای زینت دادن هبمان های شهر. در آزادی تابع دادن ثروت های ملی تهیه نکرده است. اوتسبا با کجید و کجید و سریزه و هسب و هسب شکسته می توان زدند. بدون اینه ندان های درنده و وقیبر تمسفه از اوج خاستگاری می یابند.

چکه هبمان و دفا ره بنان شاه با استفاده از مرمتی که بر خور دانشجو یان با گار های کوی دانشگاه و هار هرات بر داده و هکسه آن ها به آوره بود. طرح پایه در بلانده رار یختند. آن ها صمیم به تمسطل کوی و تارتان احتیاج دانشجو یان مبارز و زهر خشم گرفتن از آنان گرفتند. به این ترتیب دانشجو یان که طیل فراتر ایس برای حل و فصل مسائل کوی هسب آمده بود. به در ایس سر هسب کسوی رفتند. به حای او با کاندو های مسلح و آماده حله رهرو شدند. کاندوها با جوبو باجم و مشت و لگه به جان دانشجو یان افتادند. کسبان دشمنان دانشجو یان در در صه های خود بجهتند و آتسبا را کتان کتان روی زمین سوله کوی کردند. هسبر دانشجو یان هسرا آن هره به دیوار ها کوتند که ده هسب از آنان هسب می شدند. در ختران راپا واقعت کشتا عانه ای در خوابگاه آن ها حاصره در یزند و تن آن ها را زیر هسبنا باجم و مشت و لگه و حتی دندان های زهر

پیروز یاد مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد فاشیستی محمد رضا شاه



عکس بالا در روز ۱۵ خرداد ماه جاری از بازار تهران گرفته شده است. می بینید که طایفه ادعاها و جار و جنجال گرفته و تبلیغات و حرولتی حتی یک مغازه مسخره باریست.

۱۵ خرداد، روز اعتراض خاموش

مجلس شاه انداخته و با نعت و پارچه های آتش به زمین آتش زدند و آنگاه در حالی که دود و آتش از سر صفا در دران زمانه می کشید شعارهای ضد دیکتاتوری دادند. ریش خنده ها خاموش شد. سر شاه چون قلب اسپه شد. یوز گارد های دانشگاه با حمله مجبور شدند در سردرد و "پشتوازا" چهار رنگ کاری کنند.

انحطیته اینست که سلسل ما رنگ ها و پانته ها و چانه ایران رژیم و تکران سازان در اتاق های اصناف که سخن پندت جیبه رژیم به حساب می آید. مباحثه هر و تیزها و فسمده بازی ها ی خود نتوانستند مردم را از این هیولان به اعتراض خاموش و گسترده و فسمده دیکتاتوری باز دارند. جالب ترین نوع اعتراض به محسود را در دانشگاه پان دانشگاه پهلوی به یوز ماند به یوز اعتراض در خوابگاه باغ ارم نشان دادند. آن ها لاسیله گیتا پنه انوسیل رایبه کردند

مجلس کامل بازار تهران بسیاری از مغازه ها و حوسسات با پنجه و نیز انحصارها گسترده اعتراضی در دیگر شهرها که با ستمن مغازه ها و بازارها و تشکیل کسب و کار آنگارند. به مثابه فرش خفته جبارزه جو یانه مردم طایفه رژیم ضد ملی و ضد دیوکراتیکه شاه و تکران و اربابان امپریالیست آن هابود. طایفه رژیم به ها و دسیسه چنین ها و های و هووی و پرده جو بی های رژیم که با چنگ و دندان نشان دادند و به سر نیزه زندان و طغیته های حاکماتید بد کردن. همواره بود. یوز و خرد گساری از شهرها از جمله قم، گامان، اصفهان، نجف، آباد، تبریز، آبادان، شیراز، یزد، مشهد و شهرهای دیگر حالت است انحصاری. یانه انحصار داشتند. بازارها در بیشتر شهرها تعطیل کردند. کسبه و مردم کار نیزه را برای چند ساعت رها کردند. تا مردم خود را به سازیه با رژیم راه زنان و زنجیان و حمایت خوبی را از مبارزان راه آزادی تأیید کنند. اگر چنین یوز اعتراض و انحصار به به خاطر کارهای دانشمندی میان مردم و کم کار کردن سازان حسا و عناصر سیاسی در محو ت کنند. به انصاف در میان انتشار گریه حساسی و مضایق و برافنده کاری آن ها. همرازی به مراتب کمتر از آن داشته که می توانستند داشته باشند. مابین حال موج اعتراضی که شهرها را در یوز نشان و رنگتگی یوز از این جلا تاجدار ایران و گسترش و تنوع نیورد ضد استبداد می بود. یانه گزارش خبرنگاران "تید" در باره ای از شهر ها نظیر قم و گامان، شهر گامان تعطیل بود. وجود آن که کسبه تعطیل به شده بودند که جواز آن هائو خواهد شد. به چنین گسترده اعتراضی پیوستند. در کسبه شهرها در این یوز هلا حکره نظامی سر قرار بود. کامیون های پلیس و ارتش و گارد های به اصطلاح ضد فوژ که سلاح خلبان ها میادین مبارزه و نقاط مشرف شهرها را اشغال کرده بودند. حضور هزاران مایور و امتیاز و نظامی و شبه نظامی در کوچه ها و محله ها. نشان و حمله و سبب رژیم از مردم و سستی بناد ها و تزلزل یونی آن بود. در لندن و ولایت، سرک گسترده اعتراضی و یوز مردم در ارتش یانه شایعه بی اساس خواند و اعلام کرد که به این شایعه برانگی نباید توجه کرد. این آنگاه آن که همین شایعه به سسول نخست وزیر بی اساس چنان ارکان حکره در یوز زندان چنان رژیم گزافا و در یوز رگان و مصلحت بان مزاح شویده های مکتبی را سرانجامه کرد کسبه تمامی شهرها و ولایات، نظامی و غیر نظامی و مدنی و راه تبلیغاتی خود را برای مظلوم با آن به طرز اسرار گسیخته و مصطنعی به پاری گرفتند. وطن به قول نخست وزیر سو گلی شاه یک "شایعه" چنین نسر زه و ترس بر ارکان رژیم بلند آزد. در همه یوزی، گند بدنگ و مغرب میسی با یکی رژیم را می توان در یازند.

گوه ها در قرق چماق داران رژیم

حلقه به گو هنوردان جوان و کلب های دانشجو بی در کوشش اطراف تهران لشکر بی سابقه و حریت آوری یافته است. رژیم شاه سلفی با فرستادن گارد های سلاح چماق به ستم گران با لباس های مدل به گویها و گامشتن این لشورها در کوشش جوانان و قلیا طرح سالم جوانان و دانشجو یان را نیز از آن ها برود است. در شماره گذشته "تید" خبر دادیم که مدعی از دانشجو یان مدرسه عالی بیبه و چند اکب دیگر از جوانان کوشورد در ارتضا ت بلنگ چال، در کوه و دامنه حلقه نا حرم آباد نه و غرار خا کسبه گاند و های چماق در ارتضو به دست شاه که در همین حال کسبه سلاح های سنگی سلاح بودند. قرار گرفتند و به شدت سرخ و سبب و م شدند. شهرهای رسیده حاکم است که در سه چهار هفته گذشته اکب های گسترده و مسلح به انواع سلاح های گرم سرد در کوه ها به شکار جوانان می یوز آزد. آن ها یکه اکب از جوانان دانشجو را می از ۲۴ ساعت در کوه به اسارت گرفتند و آن ها را یوز شد. بدترین و بی شرمه ترین یوشی ها و تحقیر ها و زجر و شکنجه قرار دادند. آن ها در دانشجو یان مدرسه عالی بیبه را میادین به سلسل تا چار گرفتند. یوز زمین دراز می کشند و آنگاه دست های شان را از پشت بسته چماق و زنجیر به حاشان امتداد می و سراپا نشان از زمین و صحرای ساخته. در ارتضا ت بلنگ چال زنجیر کردن گو هنوردان جوان انداختند. آن ها را روی صخره ها کشیدند و با شمشیر چماق و سنگ به جان آن ها افتادند. برمانده اجاتان چماق در کسبه به سلسل بود. یوزگان آورا سرگز و همان خطاب می کردند. پس از عیش انا ت گو هنورد یوشیب یگانه در خزان صبران گو هنورد میه آن ها گند:

شما که اعلامیه ای همراه ند آید. به ما گفته بودند که شما در کوشیا حلالت سیاسی به راه می آید. کتاب های سیاسی منویسه می خوانید و اعلامیه بخش می کنید. پس کتاب ها پان کماست ؟ جوانان دست بسته گشته که فقط برای یوز و طرح به کسوه آند اند. اناسر کوشیا لباس های آن ها را از نشان خام کسرو یگانه نمایند به یوز تا زمانه گرفت.

در ۲۴ ساعتی که جوانان در اسارت میادین حکره بودند. هر یک سه بار زیر تا زمانه و چماق قرار گرفتند. و سرانجام بهراز تحمل تحقیر های بسیار و شکنجه و دشنام های رنگه چار و اداری سا سروری خونین به وسیله کامیون مخصوص پلیس به قسبر منتقل شدند و در نیمه راه آزاد گردیدند.

حمله گذشته نیز ریش اکب های دانشجو بی گروه های کوشه و بزرگ گو هنوردان ام از یوز جوانان به ارتضا ت اطراف تهران رفتند گو ها را در محاصره یوز و شان چماق بسته یافتند. آن ها کار با حرای هجوم هفته های گذشته گزافا های یکیش به گو هنوردان اطلاع بود. در ترجیح دادند از نیمه راه به خانه های شان برگردند. ارتضا ت رژیم ضد ملی، ضد دیوکراتیکه، فاسد و میسب فروش شاه کسبه خلق های ما میه جوانان ما به گو هنوردان مایه همه نفرها و گروه های غیر وابسته میسب پرست و آزاده، تنها چماق و شکنجه گویه است. چنین رژیم آزرگ و ریخته جامد و گند پایه ای که ادامه حاشان باعث سرپیختن ها و زخم ها و عسارت بیشتر ملی و رژیم می است. حلقه حیات ند آرد.

متحد شویم و رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را سرنگون کنیم!